فهرست مطالب

[مقدمه 2](#_Toc389668542)

[نظر استاد در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب: دلالت بالاطلاق 2](#_Toc389668543)

[دو نکته مهم در تقریر استاد از دلالت بالاطلاق 2](#_Toc389668544)

[نکته اول: نیاز به بیان زائد داشتن قید ترخیص 2](#_Toc389668545)

[نکته دوم: در مقام بیان بودن 3](#_Toc389668546)

[اصل در مقام قانون‌گذاری: در مقام بیان بودن 3](#_Toc389668547)

[قول پنجم در وجه دلالت صیغه امر: کاشفیت عقلائیه 3](#_Toc389668548)

[نقد قول پنجم 4](#_Toc389668549)

[ثمره عملی داشتن بحث از وجه دلالت صیغه امر 4](#_Toc389668550)

[جمع‌بندی مباحث 4](#_Toc389668551)

[عدم اختصاص اکثر مباحث الفاظ به لغت عربی 4](#_Toc389668552)

[استعمال جمله خبریه در مقام انشا 5](#_Toc389668553)

بسم الله الرحمن الرحیم

# مقدمه

بحث در مدلول صیغه امربر وجوب است. در مدلول صیغه امر سه نظریه وجود دارد. عده‌ای قائل‌اند که صیغه امر نه دلالت بر وجوب و نه دلالت بر ندب می‌کند، عده‌ای قائل‌اند که صیغه امر دلالت بر ندب می‌کند و غالب متأخرین و معاصرین قائل‌اند که صیغه امر دلالت بر وجوب می‌کند. در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب نظریات مختلفی وجود دارد که عبارت‌اند از دلالت بالوضع، دلالت بالانصراف، دلالت بالعقل و دلالت بالاطلاق و مقدمات حکمت. البته در کلام مرحوم امام و مرحوم بروجردی به وجه و قول پنجمی به‌عنوان دلالت به نحو کاشفیت و اماریت عقلائیه اشاره‌شده است.

# نظر استاد در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب: دلالت بالاطلاق

در جلسه قبل قول چهارم در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب که دلالت بالاطلاق و مقدمات حکمت است را تقویت و پذیرفتیم.

## دو نکته مهم در تقریر استاد از دلالت بالاطلاق

در تقریر ما از دلالت بالاطلاق و مقدمات حکمت دو نکته و مطلب اساسی وجود دارد.

### نکته اول: نیاز به بیان زائد داشتن قید ترخیص

نکته اول این است که وجوب مجموعه مراتبی بود که قید عدم ترخیص در آن‌ها لحاظ شده است و ندب مجموعه مراتبی است که قید ترخیص در آن‌ها لحاظ شده است و هرگاه قید ترخیص در کلام نبود وجوب تعین پیدا می‌کند چون قید ترخیص قید وجودی و نیاز به بیان زائد دارد اما عدم ترخیص قید عدمی و نیاز به بیان زائد ندارد و نتیجه اطلاق در این‌گونه موارد تعیین احد الاقسام است همان‌طور که نتیجه اطلاق در دوران بین توسلی و تعبدی، توسلی در دوران بین عینی و کفایی، عینی است در دوران بین تعیینی و تأخیری، تعیینی می‌باشد.

### نکته دوم: در مقام بیان بودن

نکته دوم در تقریر این است که شارع در مقام بیان ترخیص یا عدم ترخیص باشد و الا اگر در مقام بیان ترخیص یا عدم ترخیص که همان ندب و وجوب است، نباشد و قصد شارع فقط بیان رجحان و حسن شی باشد، صیغه امر ظهور در هیچ‌یک از حکم وجوب یا استحباب ندارد. این مطلب شاهد بر این است که دلالت صیغه بر وجوب نه به وضع، نه به انصراف و نه به‌حکم عقل می‌باشد چون در مواردی که در مقام بیان نبوده است عقل یا وضع حکم بهش وجوب نمی‌کند، درصورتی‌که اگر دلالت صیغه امر به وضع یا حکم عقل بود در مواردی که در مقام بیان وجوب یا استحباب نبوده است حکم عقل و یا وضع به دلالت صیغه بر وجوب باید وجود می‌داشت. البته ناگفته نماند در مواردی که شارع در مقام بیان نباشد انجام فعل دارای رجحان و ثواب می‌باشد و در نتیجه با استحباب اشتراک دارد اما این مطلب با حکم به استحباب تفاوت دارد چون معنای حکم استحباب این است که این حکم مستحب است و لا غیر درصورتی‌که در اینجا این مطلب قابل احراز نیست.

### اصل در مقام قانون‌گذاری: در مقام بیان بودن

البته به لحاظ صغروی اصل بر این است که شارع و مولایی که در مقام قانون‌گذاری است حتی در خطابات قرآنی که عده‌ای آن را استثنا کرده‌اند، در مقام بیان همه تفاسیر و جزئیات دخیل در حکم می‌باشد.

# قول پنجم در وجه دلالت صیغه امر: کاشفیت عقلائیه

قول پنجمی در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب وجود دارد و مرحوم امام خمینی به آن اشاره‌کرده‌اند، این است که نفس صدور بعث از مولی عند العقلا کاشف از وجوب می‌باشد و این وجوب نه از وضع فهمیده می‌شود و از انصراف و نه از حکم عقل و از اطلاق و مقدمات حکمت.

## نقد قول پنجم

این کاشفیت و اماریت عقلائیه وقتی ثابت است که شارع در مقام بیان باشد اما اگر شارع در مقام بیان نباشد، این کاشفیت و اماریت عقلائیه احراز نمی‌شود و عقلا حکم به دلالت صیغه امر بر وجوب نمی‌کنند پس کاشفیت در صورتی تام است که مقدمات حکمت تام باشد و این کاشفیت نیاز به مقدمات حکمت دارد.

# ثمره عملی داشتن بحث از وجه دلالت صیغه امر

بحث از وجه دلالت صیغه امر بر وجوب ثمرات زیادی در فقه در مقام تعارض ظهورات دارد مثلاً اگر وجه دلالت صیغه امر را اطلاق دانستیم هرگاه این ظهور با دلالت‌های دیگری تعارض کند اگر منشأ دلالت‌های معارض وضع باشد، ظهورات و دلالت‌های بالوضع را مقدم می‌کنیم اما اگر منشأ دلالت‌های معارض اطلاق باشد، در بحث تعارض دو اطلاق مباحث زیادی وجود دارد که نظر عده‌ای این است که هر دو اطلاق تساقط می‌کنند.

# جمع‌بندی مباحث

تاکنون در ذیل صیغه امر به دو بحث پرداختیم در بحث اول بیان کردیم که امر دال بر بعث است و دواعی خارج از موضوع له صیغه امر می‌باشند و اگر قرینه‌ای در کار نباشد صیغه امر ظهور در بعث حقیقی دارد و نتیجه بحث دوم این شد که اگر مولی در مقام بیان باشد به‌واسطه اصاله الاطلاق و مقدمات حکمت صیغه امر دلالت بر وجوب می‌کند.

# عدم اختصاص اکثر مباحث الفاظ به لغت عربی

مباحث الفاظ در علم اصول از حیث اختصاص به لغت خاص یا عدم اختصاص به لغت خاص بر دو قسم است بعضی از مباحث اختصاص به لغت عربی دارد مانند بعضی از مباحث ظهورات لغوی اما اکثر مباحث اختصاص به لغت خاصی ندارند و بین زبان‌های مختلف مشترک هستند مانند مباحث مشتق مباحث صحیح و اعم یا مباحث اوامر و نواهی که اختصاص به لغت خاصی ندارد و در همه لغات این مباحث وجود دارد.

# استعمال جمله خبریه در مقام انشا

یکی از مباحثی که در زبان عرب و غیر زبان عرب وجود دارد بکار بردن جمله‌های خبریه در مقام انشاء است که البته در زبان عربی خیلی رواج دارد مانند فعل مضارع که جمله خبریه است و در مقام انشا به کار می‌رود که این نوع استعمال در روایات مصادیق فراوانی دارد مانند یعید الصلوه که امام صیغه مضارع را در طلب و بعث به کار می‌برد و یا در مواردی فعل ماضی در مقام‌طلب و بعث به کار می‌رود. در ذیل این مسئله دو جهت بحث وجود دارد.

1. جهت اول بحث در کیفیت این نوع استعمال و وجه صدور انشا از جمله خبریه است و در اصل استعمال آن شکی نیست و اگر شخصی در این نوع استعمال تردید کند، جمع کثیری از روایات را باید کنار بگذارد البته به‌صورت کلی می‌توان گفت دو دیدگاه در اینجا وجود دارد یک دیدگاه این است که جمله خبریه در انشا استعمال شده است و یک دیدگاه این است که جمله خبریه در انشا استعمال نشده است بلکه داعی از جمله خبریه انشا است.
2. جهت دوم در دلالت این جمل خبریه بر وجوب می‌باشد.